

[مقدمه حرام و مکروه 1](#_Toc34816632)

[بررسی حکم مقدمه حرام و مکروه 1](#_Toc34816633)

[تکمیل نکته ای از بحث جلسه قبل 1](#_Toc34816634)

[نقد کلام مرحوم آخوند 2](#_Toc34816635)

[جریان تقریب تفصیل مرحوم آخوند در دو معنای نهی 2](#_Toc34816636)

[نقد تفصیل مرحوم آخوند از منظر استاد 2](#_Toc34816637)

[تفصیل مرحوم نائینی در مقدمات حرام 3](#_Toc34816638)

[نقد کلام مرحوم نائینی در مورد اتحاد مقدمه و ذی المقدمه 4](#_Toc34816639)

[نقد کلام مرحوم نائینی در مورد علت تامه بودن مقدمه برای ذی المقدمه 4](#_Toc34816640)

[تفاوت و اشتراک تفصیل مرحوم آخوند و مرحوم نائینی 5](#_Toc34816641)

[مختار استاد: عدم صحت تفصیل بین حرمت مقدمه اخیر و غیر آن 5](#_Toc34816642)

**موضوع**: بررسی کلام مرحوم آخوند /بررسی حکم مقدمه حرام و مکروه /مقدمه حرام و مکروه

# مقدمه حرام و مکروه

## بررسی حکم مقدمه حرام و مکروه

### تکمیل نکته ای از بحث جلسه قبل

تذکر این نکته لازم است که در جلسه قبل تفصیلی بین وجوب مقدمه شرعی و عدم وجوب مقدمه غیر شرعی مطرح شد. دلیل قائل این بود که در مقدمه شرعی، اعتبار شرطیت آن فقط از طریق ایجاب شارع محقق شده است؛ لذا باید قائل به وجوب مقدمه شرعی بشویم. ما در جلسه قبل بیان کردیم: اعتبار شرطیت با ایجاب حاصل می­شود و نیازی نیست که اولا در مرحله قبل از تعلق امر به شرط، اعتبار تقید شود. معنای این بیان این نیست که اعتبار شرطیت منحصر به تعلق امر است. این که بعضی گفته بودند: شرطیت شرعیه فقط با ایجاب و تعلق امر به آن حاصل می­شود، صحیح نیست. به نظر ما همان طوری که شارع می­تواند شرطیت طهارت را با فاغسلوا وجوهکم، شرطیت را اعتبار کند، همچنین می­تواند با لا صلاة الا بطهور شرطیت را بیان کند.

جواب مستدل این است: شرط شرعی همان طوری که با ایجاب محقق می­شد، می­تواند با غیر ایجاب هم محقق بشود؛ پس این که برای وجوب مقدمه شرعی به این دلیل که شرط شرعی از ایجاب شرعی حاصل می­شود، صحیح نیست.

### نقد کلام مرحوم آخوند

بحث در مورد مقدمه حرام و مکروه بود. مرحوم آخوند قائل به تفصیل شده بود. نسبت به مقدمه اخیره فرمود: حرمت ذی المقدمه ملازمه با حرمت مقدمه اخیر دارد؛ اما در غیر مقدمه اخیر چون که توقفی وجود ندارد، حرمت از ذی المقدمه به مقدمه سرایت نمی­کند. مثلا شخصی وضو می­گیرد یا غسل می­کند، همین آبی را که برای غسل و وضو می­ریزد و مصداق واجب است، در مکان غصبی می­ریزد. اگر این آب را که صب می­کند، صب به مکان غصبی باشد، مقدمه اخیر است و حرمت غیری دارد، از باب این که مقدمه غصبِ حرام است و از جهتی نیز واجب است از این باب که مصداق غسل و وضو است؛ پس اجتماع امر و نهی می­شود؛ اما اگر این آب را در یک مکان مباحی بریزد که در آن مکان یک ناودانی وجود دارد که به مکان غصبی ریخته می­شود و مکلف می­تواند مانع از ریختن آب به مکان غصبی بشود، حرام نیست؛ چون که مقدمه اخیر نیست و توقفی وجود ندارد و در نتیجه اجتماع امر و نهی به وجود نمی­آید.

#### جریان تقریب تفصیل مرحوم آخوند در دو معنای نهی

گفته شد تقریب مرحوم آخوند به این کیفیت است که نهی طلب ترک است و برای تقریب به ذهن گفتیم که طلب ترک مثل طلب فعل است و تقریب ایشاتن تمام است؛ اما تذکر این نکته لازم است که این تقریب متوقف بر معنا کردن نهی به طلب ترک نیست؛ بلکه بنا بر زجر از فعل نیز تقریب دارد؛ یعنی زجر از فعل، ذی المقدمه را مبغوض می­کند و چیزی که این ذی المقدمه بر آن متوقف است نیز مبغوض می­شود و حرام است. هر چند که بر مبنای طلب ترک فعل، واضح تر است.

#### نقد تفصیل مرحوم آخوند از منظر استاد

دلیل تفصیل مرحوم آخوند صحیح نیست. اینکه ایشان ادعا کرد چه بسا مقدمه اخیر، اختیار است و اختیار هم ارادی نیست؛ پس نمی­توان گفت که در این گونه موارد که افعال غیر تولیدیه هستند، مقدمه حرام، حرام است.

اولا اختیار یک امر اختیاری است. ثانیا این که ایشان فرمودند: مقدمه اخیر افعال غیر تولیدیه، اختیار است، صحیح نیست. به نظر ما مقدمه اخیر آنها اختیار نیست؛ بلکه مقدمه اخیر، آخرین فعل اختیاری است. اگر شما شرب خمر را ملاحظه کنید، خمر را که بر می­دارد، مقدمه غیر اخیر است و وقتی در دهان می­ریزد نیز مقدمه غیر اخیر است و وقتی آن را فرو می­برد، مقدمه اخیر است؛ ولی این مقدمه اخیر یک فعل اختیاری است. البته ادعای ما به نحو کلی نیست؛ اما این که مرحوم آخوند فرمود: دائما در مقدمات اخیر افعال غیر تولیدی اختیار است، صحیح نیست و ممکن است فعل اختیاری باشد.

اصل تفصیل ایشان هم صحیح نیست و به زودی به مناقشه آن پرداخته می­شود.

### تفصیل مرحوم نائینی در مقدمات حرام

مرحوم نائینی[[1]](#footnote-1) قائل به یک تفصیلی است که هم مشتمل بر تفصیل مرحوم آخوند (توقف در مقدمه اخیر) است و هم یک اضافه­ای دارد.

بیان مطلب: گاهی اوقات مکلف برای انجام حرام، صارف دارد و گاهی اوقات صارف ندارد. مثلا شخصی برای قتل مومن صارف دارد و نفس مکلف این کار را قبول نمی­کند. در این جا مقدمات آن حرام نیست. مثلا چاقو خریدن با وجود صارف از حرام، حرام نیست؛ زیرا بسیاری از مقدماتی که می­توانند مقدمه حرام بشوند، آنها را مرتکب می­شویم و ارتکاز حکم می­کند که حرام نباشد. بلا اشکال با وجود صارف از حرام، مقدمات حرام را مرتکب می­شویم و آنها حرام نیستند و بغض از ذی المقدمه در این جا ملازم با بغض از مقدمه نیست.

گاهی اوقات صارف از حرام ندارد. مثلا مکلف خودش متمایل به حرام یا نسبت به حرام لاابالی است. در این موارد دو نحوه تصور می­شود:

1. گاهی اوقات فعلی که مقدمه حرام است، با حرام (ذی المقدمه) متحد هستند؛ یعنی فعلی که انجام می­دهد با عنوان حرام، منطبق بر یک وجود و یک فعل هستند. مثلا الان که غسل می­کند و صب الماء می­کند، مستقیم در مکان غصبی ریخته می­شود. در این جا یک منطبق علیه بیشتر نداریم و این فعل، هم غسل است و هم غصب است. افعال تولیدیه مثلا از این قسم هستند. در این قسم، مقدمه حرام، حرام است؛ چون که فعلی را که انجام می­دهد مصداق حرام است.
2. گاهی اوقات فعل انجام شده در جهت مقدمه حرام با حرام دو وجود هستند و منطبق بر یک فعل نیستند. این قسم نیز دو نحوه تصور دارد:
   1. ممکن است دو وجود داشته باشند و یکی علت تامه برای دیگری باشد. مثلا غَسل و صب در مکان مباح ریخته می­شود؛ ولی وقتی در مکان مباح ریخته می­شود، به مکان غصبی ریخته می­شود و ریختن آب در مکان مباح علت تامه برای غصب است؛ یعنی مکلف نمی­تواند مانع از ریختن آب در مکان غصبی بشود. در این جا مقدمه و حرام دو وجود دارند. در این صورت این مقدمه حرام است؛ زیرا در این گونه موارد معلول در اختیار مکلف نیست و معلول قابلیت تعلق تکلیف ندارد؛ زیرا چیزی که در اختیار مکلف است علت تامه است و این وجود قابل تکلیف است. در این جا هر چند حرمت بر غصب مترتب شده است؛ ولی چون که مقدور نیست، حرمت به مقدمه سرایت می­کند. (فرض این است که قدرت جلوگیری از ریختن آب در مکان غصبی را ندارد)
   2. بعضی اوقات دو وجود هستند و یکی علت تامه برای دیگری نیست. مانند مثال مذکور، ولی مکلف می­تواند جلوی ریختن آب در مکان غصبی را بگیرد و ریختن آب در مکان مباح علت تامه غصب نیست. نگرفتن جلوی آب، مقدمه اخیر غصب است و در اینجا صب الماء حرمت ندارد؛ زیرا ملاک حرمت مقدمه، مثل ملاک وجوب مقدمه واجب، توقف است و در این جا توقف نیست؛ زیرا ترک حرام از جانب مکلف، توقف بر این ندارد که آب در این جا ریخته نشود؛ بلکه ترک حرام بر ایجاد مانع برای نریختن در مکان غصبی توقف دارد. بعد فرموده است: هر چند که صب الماء از باب تجری حرام است؛ زیرا وقتی می­داند که آب به مکان غصبی ریخته می­شود و جلوی آن را نمی­گیرد، تجری کرده است، هر چند که از باب مقدمه حرام نیست. تصمیم به عدم ایجاد مانع برای ریختن در مکان غصبی تجری است. ( استاد: اساسا تجری فعل را حرام نمی­کند و ما به بررسی و مناقشه این نکته نمی­پردازیم)

#### نقد کلام مرحوم نائینی در مورد اتحاد مقدمه و ذی المقدمه

ادعای مرحوم نائینی در جایی که مقدمه با ذی المقدمه بر یک وجود منطبق می­شود، مفهوم نمی­شود؛ زیرا در افعال تولیدیه دو وجود داریم. در افعال تولیدیه یک متولد منه داریم و یک متولد درایم که ملازم با هم هستند. مثلا صب (ریختن آب بر بدن) یک واقعیت است و غصب (ایقاع آب در مکان غصبی) هم یک واقعیت است. شاید ادعا می­کند که عرفا یک حقیقت هستند. مثلا صرف صب الماء از حیث وجود هم صب و هم غصب است؛ ولی به نظر ما دو وجود هستند.بله؛ اگر یک وجود داشتند حرام بود؛ ولی در این صورت، مقدمه دیگر مقدمه نبود؛ بلکه نفس حرام بود.

#### نقد کلام مرحوم نائینی در مورد علت تامه بودن مقدمه برای ذی المقدمه

به نظر ما در جایی که مقدمه و ذی المقدمه دو وجود دارند و مقدمه علت تامه برای ذی المقدمه است، مسبب قابلیت تعلق تکلیف دارد، هر چند که با واسطه مورد تعلق تکلیف بشود؛ زیرا مقدور با واسطه است. اگر شارع گفت قتل مومن حرام است، به ذهن ما نمی­آید که فری اوداج حرام است و از تعلق تکلیف به مسبب احساس مجازیت نمی­کنیم. امر به مسبب در جایی که مکلف قدرت بر سبب دارد، عرفی است؛ پس وجهی ندارد که سبب متعلق تکلیف باشد و حرام از مسبب به سبب به خاطر عدم مقدوریت مسبب، سرایت می­کند.

#### تفاوت و اشتراک تفصیل مرحوم آخوند و مرحوم نائینی

تفاوت مرحوم آخوند با مرحوم نائینی در این است که مرحوم آخوند به ملاک توقف در افعال تولیدیه قائل به حرمت می­شد و مرحوم نائینی می­فرمود: اگر یک وجود دارند که مقدمه مصداق حرام است و اگر دو وجود دارند و مقدمه علت تامه برای ذی المقدمه است، حرمت از مسبب به سبب سرایت می­کرد. اشتراک آنها در این است که در جایی که مقدمه و ذی المقدمه دو وجود دارند و مقدمه علت تامه برای ذی المقدمه نیست، ادعای مرحوم آخوند و نائینی متحد است و دلیلشان نیز واحد است که همان ملاک توقف و عدم توقف است.

#### مختار استاد: عدم صحت تفصیل بین حرمت مقدمه اخیر و غیر آن

ما باید این مساله را بررسی کنیم که آیا تفصیل بین مقدمه اخیر و سائر مقدمات وجه دارد یا ندارد؟ اول یک مثال در غیر باب مقدمه مطرح می­کنیم تا مطلب تقریب به ذهن شود. در باب تجسیم ( مجسمه سازی) گفته شده است: وقتی که شروع به مجسمه سازی می­شود، اگر تکمیل بشود، فقط جزء اخیر حرام نیست؛ بلکه همه اجزاء مصداق حرام است. اگر مولا بگوید: مجسمه کامل نساز به ذهن می­آید که از اول این مجموعه مصداق حرام بوده است.

ادعای ما این است که در مقدمات حرام نیز به این نحو است. اگر مقدمات حرام، متسلسلا محقق شد و منتهی به فعل حرام شد، (ما به صارف و غیر صاف کاری نداریم) همه مقدمات حرام است. همان بیانی که در مقدمه واجب بود در این جا نیز جاری است. اگر مقدماتی تهیه شد و در طریق حصول حرام واقع شد، همان طوری که حرام مبغوض است، همه مقدمات حرام است. وجهی ندارد که حرمت از ذی المقدمه، فقط به مقدمه اخیر سرایت کند؛ بلکه حصول حرام مستند به همه مقدمات است. مثلا خریدن چاقو و آوردن آن و کشیدن آن و فری اوداج، مقدمه برای قتل است، این مجموعه از اول که مکلف در صدد انجام حرام برآمد، مبغوض است و فرقی بین مقدمه اخیر که کشیدن چاقو باشد با چاقو خریدن نیست و هر دو مبغوض شارع است.

همان طوری که خود حرام مبغوض است، هر آنچه که محصِّل حرام است و در طریق حصول حرام قرار گرفته است، حرام است. مقدماتی که در طریق تحقق ذی المقدمه قرار گرفته است، حرام است؛ پس همه این مقدمات یک علت تامه هستند؛ ولی این علت مرکب از اجزاء موثری هستند که تحقق حرام مستند به همه آنها می­شود.

شاید در بعضی از روایات که همه سلسله مقدمات خمر حرام شده است از این باب است. هر چند که بغض شدید باعث شده است که همه این مقدمات مبغوض نفسی بشوند؛ ولی در حرام های متعارف، مقدمات آن حرمت غیری پیدا می­کنند.

نتیجه: اگر ترشح حرمت از ذی المقدمه به مقدمه را قبول کنیم، فرقی بین مقدمه اخیر و غیر اخیر نیست. مقدمه واجب اگر واجب باشد، مقدمه مستحب هم مستحب و مقدمه حرام و مکروه هم حرام و مکروه است.

1. [اجود التقریرات، نائینی، ج1، ص248.](http://lib.eshia.ir/10057/1/248/تذییل) [↑](#footnote-ref-1)